



با جای پای فاطمه

سحر موقع رفتن به مسجدالنبی برای نماز صبح، برای نخستین بار کتانی پوشیدم.

سحر موقع رفتن به مسجدالنبی برای نماز صبح، برای نخستین بار کتانی پوشیدم.

روزهای دیگر با دمپایی می‌رفتم که در ازدحام مسجد راحت‌تر جابه‌جا می‌شود. سراغ هم‌سفری‌ام رفتم و گفتم برویم بعد از نماز پیاده‌روی! همراه شدیم و با خلق‌الله نماز بدون قنوت خواندیم و بعد پرسان پرسان باب ملک فهد و شارع عبدالعزیز را یافتیم و از میان خیل جمعیت راه باز کردیم به سمت شمال مدینه؛ به سمت کوه احد. هرچند در زیارت دوره احد و شهادت‌اش را هم زیارت خواهیم کرد ولی پیاده تا احد رفتن لطفی دارد که خواهیم گفت. از بین هتل‌های بلند مرتبه گذشتیم و در امتداد طریق ابوذر غفاری رفتیم تا کم کم شهر دل‌بازتر شد. از هر کس آدرس سؤال می‌کردیم تعجب می‌کرد که چرا پیاده می‌رویم. شهر چهره دیگری پیدا کرد.

بعد از حدود 20 دقیقه پیاده‌روی، کوه احد از دور معلوم شد. هنوز خورشید بالا نیامده بود هرچند هوا دیگر روشن بود. در واقع کوه احد در شمال مدینه است. از ضلع شمالی مسجدالنبی که خارج شویم، یک‌راست می‌خورد به احد. نزدیک‌تر که شدیم جمعیت زیادی را دیدیم در اطراف قبور احد که برای زیارت و فاتحه خوانی آمده بودند. البته ما هم زیارت نامه شهدای احد را خواندیم و فاتحه دادیم ولی بیش از زیارت‌حمزه و دیگر صحابه، تنفس در فضای احد برای‌مان اهمیت داشت؛ فضایی که با حضور هر هفته یک‌بار حضرت فاطمه کاملاً متبرک شده بود.

رفیقی توصیه کرده بود یک بار از مسجدالنبی تا احد را پیاده برویم به یاد پیاده‌روی‌های حضرت فاطمه همراه با حسین که البته آن موقع کوچک بودند. حس خوبی بود تکرار کاری که حضرت زهرا هر هفته انجامش می‌داد. هر چند جوانی وهابی حس و حال‌مان را بیهوده به هم زد. تلاش کرد بفهماند کارمان شرک و کفر است. به جوان خورشید را نشان دادیم و گفتیم چند دقیقه می‌توانی نگاهش کنی؟ گفت کم. گفتیم ما ظرفیت‌مان همین «#کم است. ائمه ظرفیت‌شان بیشتر است و واسطه فیض هستند والا ما هم معتقدیم به لا اله الا الله.

جوان گفت این اعتقاد ما شرک است و آیه‌ای از قرآن خواند که نباید برای خدا شریک گرفت. گفتیم قرآن را خدا نازل کرده یا جبرئیل؟ گفت خدا، گفتیم پس چرا در قرآن می‌خوانیم «#نزل به الروح الامین». جوان جا خورد. گفتیم جبرئیل هم واسطه فیض الهی به بندگان است، مثل ائمه. بعد هم وقتی ساعت را نشان دادیم که یعنی وقت نداریم و می‌خواهیم برویم، از خدا خواست هدایت‌مان کند و ازمان جدا شد و رفت سراغ یکی دیگر. راستی حضرت فاطمه هم مشرک بوده که هر هفته می‌آمده سر این قبرها؟

مهدی قزلی *

همشهری انلاین